



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مددکاری اجتماعی

بررسی نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و عوامل مؤثر بر آن

استاد راهنما: جناب آقای دکتر آقا نجفی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر طالبی

استاد داور: جناب آقای دکتر سام آرام

دانشجو: مهدی بدیعی

شهریور ماه ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بہ نامہ خدایہ

کہ نامہش

راحت روح و

پیغام او



ہفتاچ فتوح

آنگاه آموزگاری گفت: با ما از آموزش سخن بگو...

و او گفت: هیچ کس نمی‌تواند چیزی را بر شما آشکار کند مگر آنچه را که در سحرگاه دانش شما نیم خفته بوده باشد.

آموزگاری که در سایه معبود در میان شاگردانش راه می‌رود، از دانش خود چیزی به آنها نمی‌دهد؛ از ایمان خود و از مهر خود می‌دهد.

اگر به راستی دانا باشد، از شما نمی‌خواهد که به خانه دانش او درآیید؛ شما را به آستانه ذهن شما راهبری می‌کند.

آوازخوان می‌تواند از آهنگی که در سراسر فضا مترنم است ترانه ای برای شما بخواند، اما نمی‌تواند گوش بدهد که آن آهنگ را می‌گیرد، یا مدائمی که آنرا باز می‌سازد.

و آنکه در دانش اعداد استاد است می‌تواند برای شما از جهان وزنها و اندازه‌ها سخن بگوید، ولی نمی‌تواند شما را به آن جهان ببرد.

زیرا که بینش یک فرد بال‌های خود را به فرد دیگری نمی‌دهد.

و همانگونه که یکایک شما در دانش خداوند تنها هستید، یکایک شما در دانش خود از خداوند و در دریافت خود از زمین تنها خواهید بود.

جبران خلیل جبران

تقدیم به سرشت آسمانی پدرم که یقین به یگانگی پروردگار
را نخستین بار در یکتاپرستی او دیدم و پاک زیستی، سادگی و
صلابتش مشق زندگی ام شد.

و تقدیم به مادرم که وجودش برایم سراسر مهر است و رحمت.

پیشکش باورمندان به ارزش معرفت؛ آنها که به دنبال آموختن
هستند و آنها که آموزش می‌دهند.

و تقدیم به همه کسانی که در راه پیشرفت و اعتلای انسان و
فرهنگ جامعه تلاش و فداکاری می‌کنند.



با من بگو راز دلم را

با من بگو راه بیکران دلم را

با من بگو سر پرواز پروانه بر سر شمع را

با من بگو راز شکفتن گل عشق را

تا من نیز سکوت بیکران دلم را برایت بگشایم

دلا این عالم فانی

به یک ارزن نمی ارزد

به دنیا آمدن

بر زحمت رفتن نمی ارزد

پیشگفتار

حمد و سپاس یزدان پاک را که آغاز و انجام هر امری به اراده و قدرت او ممکن است و خیال خالی آدمی را به علم و معرفت فروزان آورد تا در امتداد هستی و ابتدای انسانیت، ما را به نگارش نقطه‌ای بر حرفی از پیشگفتار دفتر دانش لیاقت عطا فرماید. اکنون که به توفیق الهی پس از فراز و نشیب‌های بسیار به فرجام کار رسیدیم بر خود فرض می‌دانم که مراتب تشکر و مکنونات قلبی خود را نسبت به تمامی بزرگوارانی که از آغاز تا انجام این مهم مرا همراهی نمودند به جای آورم. ابتدا از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر حبیب آقابخشی که با بذل محبت فراوان و تقبل سمت استاد راهنما اینجانب را از رهنمودهای ارزشمند خویش بهره مند ساختند و بلافاصله از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر ابوتراب طالبی که در مقام مشاوره، با توصیه‌های ارزشمند بر غنای پژوهش حاضر افزودند، نهایت امتنان را دارم.

فرصت را مغتنم شمرده و از جناب آقای دکتر سام آرام که زحمت داوری پایان نامه را بر عهده داشتند و جناب آقای دکتر حسینی مدیر محترم گروه مددکاری اجتماعی که به عنوان نماینده گروه در جلسه دفاع حاضر بودند و در پرتو محضر این دو بزرگوار در سراسر دوران تحصیل نکته‌های فراوان برایم اندوخته گردید، کمال تشکر و آرزوی سلامتی و بهروزی دارم. و در نهایت جای دارد از سایر اساتید دانشکده به خصوص جناب آقای دکتر زاهدی اصل و جناب آقای دکتر شریفیان که همواره به امر خطیر آموزش و تربیت دانشجویان اهتمام ویژه‌ای دارند، سپاسگزاری و توفیق روز افزونشان را از پروردگار متعال مسئلت نمایم.

چکیده

توجه همیشگی به نیازها و ارزش‌های نیروی انسانی که مهمترین سرمایه در جهت رسیدن به پویایی و بالندگی در سازمان شناخته می‌شوند، از ضرورت‌های جدی محسوب می‌شود. انتخاب کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان جامعه آماری به این دلیل حائز اهمیت است که این کارکنان در مجموع تشکیل‌دهنده شخصیت حقوقی عمده‌ترین و اصلی‌ترین هدایتگر فرهنگی جامعه و کانال ارتباطی فعالان عرصه فرهنگ با آحاد جامعه هستند و ارتقاء ارزش‌ها در کارکنان این وزارتخانه به حفظ تعادل در آنها و مراجعانشان و در نهایت سطح وسیع‌تر جامعه یاری می‌رساند.

در کنار هدف اصلی پژوهش که شناخت نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است به اهداف فرعی نظیر ارتباط نظام ارزشی هم در کلیت و هم در چگونگی آرایش خرده‌نظام‌های ارزشی با عواملی نظیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، میزان دینداری، وضعیت تأهل و جنسیت نیز پرداخته شده است. همچنین به سؤال آیا انگاره ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به زن با پایگاه اقتصادی-اجتماعی آنها رابطه دارد؟ نیز پاسخ داده شده است.

به منظور انجام پژوهش حاضر از میان کلیه کارکنان ستادی (مرکزی) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تعداد ۱۲۲ نفر به شیوه نمونه‌گیری سیستماتیک برگزیده شده‌اند. روش پژوهش اخیر تلفیقی از روش‌های پیمایشی و همبستگی است و اطلاعات به وسیله پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است.

برخی از نتایج پژوهش اخیر از این قرار است:

۱- نظام ارزشی کارکنان، به ترتیب سطوحی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در خود جای داده است.
۲- بر طبق نتایج آزمون‌های آماری رابطه معناداری میان نظام ارزشی کارکنان (در کلیت و تمامیت) با متغیرهایی نظیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌ها، وضعیت تأهل و جنسیت مشاهده نگردید. اما میزان دینداری کارکنان با کلیت نظام ارزشی آنها ارتباطی معنادار دارد. ۳- با توجه به نتایج آزمون‌های آماری در مقایسه خرده‌نظام‌های ارزشی همنام تفاوت میانگین‌های خرده‌نظام ارزشی اجتماعی بر حسب جنسیت و همچنین خرده‌نظام ارزشی فرهنگی بر حسب وضعیت تأهل معنی‌دار است. ۴- در برش عمودی وجود رابطه میان خرده‌نظام‌های نظام ارزشی کارکنان و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان استفاده آنها از رسانه‌های ارتباط جمعی، میزان دینداری، جنسیت و وضعیت تأهل تأیید گردید؛ زیرا بنابر نتایج حاصله خرده‌نظام‌های ارزشی چهارگانه کارکنان وزارتخانه مورد بحث در ساختن کلیت نظام ارزشی آنها، ارتباطی سیستماتیک و معنادار دارند و هرگونه تحول ارزشی در اجزاء نظام تغییر در سایر اجزاء و در نهایت کل نظام را در پی خواهد داشت. ۵- از لحاظ انگاره ارزشی نسبت به زن، کارکنان بیشترین اهمیت را به نقش‌های خانوادگی زن یعنی «همسر خوبی بودن» و «مادر خوبی بودن» داده‌اند و پس از آن «مذهبی بودن»، «تحصیل‌کرده بودن»، «پوشیدن چادر در اماکن عمومی» و «کارکردن بیرون منزل» به ترتیب از اهمیت بیشتر برخوردار بوده است. همچنین ارتباط معناداری میان انگاره ارزشی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی کارکنان مشاهده نگردید.

کلمات کلیدی: نظام ارزشی، خرده‌نظام ارزشی، انگاره ارزشی، عوامل مؤثر، کارکنان، ستاد مرکزی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

۱	۱-۱. مقدمه
۳	۲-۱. بیان مسئله
۵	۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش
۶	۴-۱. هدف‌های پژوهش
۷	۵-۱. بررسی پیشینه پژوهش
۷	۱-۵-۱. تحقیقات انجام شده در جهان
۸	۱-۱-۵-۱. نقش فرهنگ، خانواده و طبقه اجتماعی در شکل‌گیری ارزش‌ها
۸	۲-۱-۵-۱. ملیت و نظام ارزشی
۱۳	۳-۱-۵-۱. رابطه رشته تحصیلی و نوع مدرسه با نظام ارزشی
۱۴	۴-۱-۵-۱. نقش رسانه‌های گروهی در شکل‌گیری / شکل‌پذیری ارزش‌ها
۱۵	۵-۱-۵-۱. تأثیر جنسیت بر ارزش‌ها
۱۷	۲-۵-۱. تحقیقات انجام شده در ایران
۱۷	۱-۲-۵-۱. مطالعه ارزش‌ها در بین دانش‌آموزان و نوجوانان
۲۶	۲-۲-۵-۱. مطالعه ارزش‌ها در بین دانشجویان و جوانان
۳۱	۳-۲-۵-۱. بررسی و مقایسه بین نسلی ارزش‌ها
۳۴	۴-۲-۵-۱. بررسی و مقایسه ارزش‌ها در بین دو جنس
۳۶	۵-۲-۵-۱. بررسی ارزش‌ها در سطوح مدیریتی و سازمانی
۳۹	۶-۲-۵-۱. بررسی ارزش‌ها در سطح شهرها و جوامع محلی
۴۳	۷-۲-۵-۱. تحقیق و بررسی پیرامون ارزش‌های سیاسی
۴۴	۸-۲-۵-۱. تأثیر رسانه‌ها بر نظام ارزشی
۴۶	۹-۲-۵-۱. مطالعه ارزش‌ها در بین گروه‌های خاص
۴۸	۳-۵-۱. جمع‌بندی پژوهش‌های انجام شده

فصل دوم: مبانی نظری پژوهش

۵۰. ۱-۲. مفهوم ارزش
۵۲. ۲-۲. رابطه ارزش‌ها با سایر مفاهیم
۵۲. ۱-۲-۲. جایگاه مفهوم ارزش در فرهنگ
۵۴. ۲-۲-۲. رابطه ارزش‌ها و سایر مؤلفه‌های فرهنگی
۶۱. ۳-۲. رویکرد فلسفه به مفهوم ارزش
۶۶. ۴-۲. رویکرد مردم‌شناسی به مفهوم ارزش
۶۸. ۵-۲. رویکرد روانشناسی به مفهوم ارزش
۸۱. ۶-۲. رویکرد جامعه‌شناسی به مفهوم ارزش
۹۴. ۱-۶-۲. نظریه دورکیم
۹۵. ۲-۶-۲. نظریه ماکس وبر
۹۹. ۳-۶-۲. نظریه پارسونز
۱۲۲. ۴-۶-۲. نظریه‌ها و تحقیقات اینگلهارت
۱۲۹. ۷-۲. رویکرد مدیریت به مفهوم ارزش
۱۳۲. ۸-۲. ارزش‌ها در اسلام
۱۳۵. ۹-۲. مفهوم انگاره ارزشی
۱۳۸. ۱۰-۲. چارچوب نظری پژوهش
۱۴۰. ۱۱-۲. مدل نظری پژوهش
۱۴۱. ۱۲-۲. فرضیه‌های پژوهش

فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش

۱۴۲. ۱-۳. روش پژوهش
۱۴۲. ۲-۳. جمعیت آماری
۱۴۳. ۳-۳. نمونه‌گیری
۱۴۴. ۴-۳. نحوه جمع‌آوری داده‌ها
۱۴۵. ۵-۳. شناسایی متغیرهای پژوهش
۱۴۶. ۶-۳. تعریف مفاهیم اصلی پژوهش
۱۴۶. ۱-۶-۳. تعاریف نظری

۱۵۲	۲-۶-۳. تعاریف عملیاتی
۱۶۱	۷-۳. پایایی و اعتبار
۱۶۱	۱-۷-۳. پایایی
۱۶۲	۲-۷-۳. اعتبار
۱۶۳	۳-۷-۳. محاسبه ضرایب آلفا برای گویه‌ها و مقیاس‌های پژوهش
۱۶۴	۸-۳. فنون مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۶۵	۹-۳. ملاحظات اخلاقی

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱۶۶	۱-۴. توصیف جمعیت مورد بررسی
۱۷۷	۲-۴. مقایسه و رتبه‌بندی شاخص‌های خرده نظام‌های ارزشی کارکنان
۱۷۷	۱-۲-۴. بر حسب فراوانی
۱۸۸	۲-۲-۴. بر حسب میانگین
۱۹۲	۳-۴. بررسی فرضیات

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۲۰۱	۱-۵. خلاصه پژوهش
۲۰۲	۲-۵. نتایج پژوهش
۲۰۲	۱-۲-۵. نتایج توصیفی
۲۰۳	۲-۲-۵. نتایج تحلیلی
۲۰۶	۳-۵. محدودیت‌ها و دشواری‌های پژوهش
۲۰۶	۴-۵. پیشنهادها
۲۰۶	۱-۴-۵. پیشنهادهای نظری
۲۰۷	۲-۴-۵. پیشنهادهای کاربردی
۲۰۸	فهرست منابع و مآخذ
۲۲۳	پرسشنامه

فصل اول: کلیات

ارزش‌ها همانند جریان‌ات و امور موجود در هستی، در زندگی انسان‌ها تأثیر همه جانبه دارند و نقش انکارناپذیر آنها به گونه‌ای است که از دیر باز ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. بسیاری از نظریه‌پردازان گذشته و معاصر مطرح کرده‌اند که ارزش‌ها به عنوان اهداف کلی و فراموقعیتی نقش مهمی را در زندگی افراد به عهده دارند. ارزش‌ها به عنوان معیارهای مطلوب به هنگام قضاوت در مورد رفتار خود و دیگران، حوادث، انتخاب هدف‌های زندگی، برقراری روابط با دیگران، موقع شکل دادن و بیان نگرش‌ها و هنگام توجیه منطقی اعمال و رفتار به کار می‌روند. اندیشه آدمی، امور و واقعیت‌ها را تعبیر و تفسیر می‌کند و بدان‌ها معنی می‌دهد. بدون شک هر تفسیر و تعبیری، ارزیابی و ارزش‌گذاری را هم به همراه دارد. ما فطرتاً از بعضی امور بیزاریم و آنها را بد تلقی می‌کنیم، همچنین برخی واقعیت‌ها را خوشایند و خوب ارزیابی می‌کنیم و پدیده‌های دیگر را نه خوب و نه بد می‌دانیم. هرگاه واژه‌هایی مانند بهتر، بهترین، خوب، بد، باید و نباید را به کار می‌بریم وارد جهان پیچیده ارزش‌ها می‌شویم.

هر جامعه‌ای برای خود ارزش‌های مخصوص و مشخصی دارد. آنچه در یک جامعه پذیرفتنی و ممدوح است، ممکن است در جامعه دیگر مذموم و مطرود باشد. آنچه در یک اجتماع دارای اهمیت است شاید از نگاه اعضای جامعه دیگر، بی‌اهمیت تلقی شود. مثلاً اعضای یک جامعه پیشرفته بر مدیریت‌زمان تأکید می‌کنند. برای کارگران، کارفرمایان و کارکنان این کشورها ساعت‌ها و دقیقه‌ها بسیار مغتنم و با اهمیت است و این در حالی است که اعضای جوامع در حال توسعه چنین بهایی را برای وقت و زمان قائل نیستند. باز نکته قابل توجه دیگر این است که هرچند همه افراد و جوامع به ارزش‌های جذبی گرایش دارند و از ارزش‌های دفعی‌گريزانند، ولی نظام ارزشی در افراد و جوامع مختلف یکسان نیست.

ارزش‌ها در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... بر روی کنش اعضای هر جامعه تأثیرات عظیمی در پی دارند که این تأثیرات در کوتاه مدت و بلند مدت قابل مشاهده است. یک پدیده و تأثیرات آن زمانی به مسأله‌ای اجتماعی بدل می‌شود که به طوری از حد تعادل خارج شود تا ذهن افراد متخصص یا کسانی که در ارتباط با آن هستند را به خود متوجه نماید. و نکته در شأن توجه پیرامون ارزش‌ها اینکه «نیزبت» ریشه مسائل اجتماعی حتی ناگوارترین و بدترین آنها را معمولاً در ارزش‌هایی می‌داند که بشدت از سوی ما تأیید می‌گردند (معید فر، ۱۳۷۹، ص ۴۱).

با لحاظ رویکرد اجتماع محور، مطالعه ارزش‌ها و تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی آن، ما را قادر به درک افراد، گروه‌ها و جامعه خواهد نمود؛ زیرا افراد جهت عمل خویش را از ارزش‌ها بدست می‌آورند، محیط خویش را توسط ارزش‌ها معنا می‌بخشند و حتی نقش و جایگاه خود در اجتماع را از طریق ارزش‌ها توجیه می‌نمایند. به بیان بهتر ارزش‌ها، همان باورها و مفاهیمی هستند که به دلیل برخورداری از جایگاه و اعتبار ویژه، قابل معامله و مصالحه نیستند.

از آنجا که در پشت همه انواع رفتارها و گرایش‌های جمعی و همه سازمانها، الگوها، نشانه‌های اجتماعی، نقش‌ها و رمزها، دنیایی از تصورات و ارزش‌های جمعی قرار دارد (گروویچ و دیگران، ۱۳۴۹، ص ۱۲۲)؛ و نیروی انسانی هم به عنوان مهمترین و با ارزش‌ترین سرمایه سازمان، عوامل متفکر و سازماندی هستند که می‌توانند سازمانی قدرتمند و پویا ایجاد نمایند؛ بدیهی است نیروی انسانی به کمک قدرت اراده، باورها و تجربه‌های با ارزش خود می‌تواند همه چیز را به نفع محیط کاری و جامعه خود تغییر دهد (ادریسی و رئیسی اردلی، ۱۳۸۳، صص ۱۵-۴). همچنین سازمان زمانی به بالندگی می‌رسد که شناخت همه جانبه‌ای از نیازها و ارزش‌های کارکنان خود داشته باشد. بنابراین انگیزه ما در این پژوهش از یک سو شناخت نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و از سوی دیگر شناخت رابطه نظام ارزشی آنها با برخی متغیرهای مؤثر می‌باشد.

۱-۲. بیان مسئله:

هویت هر جامعه‌ای زائیده فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ خود متشکل از ارزش‌ها، باورها، هنجارها و نگرش‌های حاکم بر رفتار افراد است. از بین این عناصر، می‌توان گفت ارزش‌ها بیشترین نقش را در رفتار فرد ایفا می‌نمایند. ارزش‌ها از درونی‌ترین لایه‌های شخصیت انسان‌ها هستند و شناخت مطلوب واقعیت‌های درونی هر فرد منوط به شناخت ارزش‌ها، نگرش‌ها و انگاره‌های ارزشی اوست. ارزش‌ها به عنوان شکل‌دهنده پیام‌های نظام رفتاری افراد دارای بیشترین تأثیر در کنش‌های آنها بوده و در بعد فردی و روانی، مهمترین منبع برای جهت‌گیری، درک و شناخت از خود و در بعد اجتماعی، مجموعه‌ای از عقاید و نگرش‌ها هستند که فرد در فرآیند جامعه‌پذیری آنها را به دست می‌آورد و خود را با قواعد و هنجارهای جامعه هماهنگ می‌سازد. همچنین ارزش‌ها به مثابه پدیده‌های اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌گیری، کنترل و پیش‌بینی کنش‌ها و گرایش‌های افراد جامعه داشته و عنصری مرکزی در ساختار فرهنگی جوامع به شمار می‌روند (یوسفی، ۱۳۸۳، ص ۲۷).

ارزش‌ها یکی از مهمترین و درونی‌ترین لایه‌های فرهنگ هر جامعه را تشکیل می‌دهند و به عبارت دیگر، بلوک‌های اساسی ساختمان فرهنگ را می‌توان ارزش‌ها دانست. بنابراین مطالعه و بررسی ارزش‌های جوامع و تحولات آنها ما را قادر به درک نگرش‌ها و کنش‌های اجتماعی اقشار مختلف خواهد کرد. همچنین ارزش‌ها وسیله همبستگی اجتماعی هستند؛ انتقال ارزش‌ها باعث پیوستگی فرهنگی می‌شود و به طور کلی می‌توان گفت که ارزش‌های مشترک در ردیف مهمترین عوامل همبستگی اجتماعی قرار دارند و عنصر مهم وحدت روانی اشخاص به شمار می‌آیند و نقشی اساسی در حیات اجتماعی کشورها بر عهده دارند. به این جهت امروزه مطالعه ارزش‌ها به یک مسئله اساسی و زیربنایی جوامع مختلف بدل گشته است. ارزش‌ها در هر جامعه همواره به صورت نظام سازماندهی می‌گردند و اشخاص بر اساس میزان اهمیتی که برای خرده‌نظام‌های گوناگون وابسته به نظام کلی ارزش‌ها قائل هستند، تعیین می‌کنند نقش و جایگاه هر یک از اجزاء نظام ارزشی در زندگی روزمره آنها چگونه است.

حال اگر انتخاب ارزش‌ها و نظام ارزشی افراد بطور صحیح صورت گیرد، سبب رشد و توسعه اجتماعی-فرهنگی در آن جامعه خواهد بود و اگر در جهت نادرست هدایت شود به زوال و نابودی جامعه کشیده خواهد شد. مطالعه دگرگونی‌ها و تحولات ارزشی باعث می‌گردد استنباط درستی از

تغییرات در عرصه فرهنگ داشته باشیم و از آنجا که ارزش‌های متحول‌گرایش به آن دارند که بدل به ارزش‌های مسلط گردند؛ همواره احتمالی وجود دارد که ارزش‌های متحول توسط اقلیتی فعال اخذ شود و این روند در کنش‌های اجتماعی بعدی به تدریج کل جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهد و این امر می‌تواند شاخصی برای بروز تحول اجتماعی به شمار آید. بنابراین شناخت گروه‌های پیشرو نظیر کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این راستا از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد؛ زیرا این افراد به عنوان نیروهای ارزشگذار به جهت اینکه توانایی انتقال ارزش‌ها به سایر بدنه جامعه را از طریق تماس با فعالان عرصه فرهنگ دارا هستند، قادر هستند کشور را به آینده‌ای بهتر رهنمون گردانند.

در این پژوهش تلاش می‌شود ارزش‌های کارکنان وزارتخانه مورد بحث که به عنوان متولی اصلی فرهنگ در کشور شناخته می‌شود را به عنوان یک مسئله اجتماعی حیاتی مورد مطالعه قرار دهیم و از این رو ارزش‌ها به مثابه یک پدیده اجتماعی نظام‌مند، قانونمند، ساخت‌دار، متغیر و اولویت‌مدار مد نظر است. بنابراین با توجه به اهمیت رابطه میان ارزش‌ها و فرهنگ و با عنایت به اهمیت نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هدایت فعالان عرصه فرهنگ، در پی شناسایی تجربی نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و عوامل اثرگذار بر این نظام ارزشی هستیم.

با توجه بر آنچه گذشت پرسش اساسی و آغازین پژوهش چنین است: نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چه ترتیبی است؟

سئوال‌های فرعی نیز شامل:

- ۱- آیا بین اجزاء نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ساختن کلیت نظام ارزشی آنها، ارتباطی معنادار وجود دارد؟
- ۲- آیا نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر حسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی آنها تفاوت می‌پذیرد؟
- ۳- آیا نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بر حسب میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی تفاوت می‌پذیرد؟
- ۴- آیا میزان دینداری (مذهبی بودن) کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جابه‌جایی اولویت‌های نظام ارزشی آنها اثرگذار است؟
- ۵- آیا نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با جنسیت آنها رابطه دارد؟
- ۶- آیا نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با وضعیت تأهل آنها رابطه دارد؟
- ۷- آیا انگاره ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به زن با پایگاه اقتصادی- اجتماعی آنها رابطه دارد؟

۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش:

چنانچه از منظر کلی به مبحث ارزش‌ها بنگریم، ارزش‌ها مفاهیمی هستند که بر سبک زندگی، رفتار و زندگی گروهی افراد تأثیر بسزایی دارند (ابراهیمی‌قوام، ۱۳۷۵، ص ۹۹) و در بسیاری از موارد جهت‌دهنده رفتارها، هدف‌های و آرمان‌های انسان هستند (سلیمانی، ۱۳۷۵، ص ۷۳) و زندگی روزمره و روابط متقابل انسان‌ها را در زندگی گروهی و فردی تحت تأثیر قرار می‌دهند (جیمز و ساوری، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲). ارزش‌ها در حفظ نظم اجتماعی و یکپارچگی جامعه نقش بسزایی دارند به طوری که از طریق ساز و کار همنوایی به انسجام اجتماعی منجر می‌شوند. همچنین ارزش‌ها نوعی منبع حمایت عاطفی برای رویارویی با فشارهای روانی رایج در زندگی اند (Duncan, 1981, p183) و ابزاری برای پذیرش اجتماعی و هم‌رنگی و همچنین رشد و شکوفایی شخصیت هستند (Spilka & werme, 1971, p135). بر مبنای ارزش‌هاست که هر فرد به ایده و مسلکی تعهد می‌ورزد و به ایده و مسلک دیگر بی‌تفاوت می‌شود، ارزش‌ها هستند که هدف‌ها و مقاصد افراد را در زندگی اجتماعی تعیین می‌کنند و نیز آنها را در رسیدن به هدف‌ها و مقاصد خویش، انرژی و تحرک می‌بخشند. جان کلام اینکه طی ساز و کاری اجتماعی، ارزش‌ها می‌تواند در اعماق احساس و در پس وجدان و لایه‌های زیرین شخصیت افراد انسانی نفوذ نموده و شیوه‌های عمل، احساس و اندیشه انسانی را رهبری، ساخت دهی و تعیین بخشد و امروزه اهمیت کارکرد ارزش‌ها در انسجام الگوها، ایجاد وحدت روانی در اشخاص، همبستگی اجتماعی و ... برکسی پوشیده نیست.

اما چنانچه از منظر جمعیت مورد نظر برای پژوهش حاضر بنگریم، در می‌یابیم ارزش‌ها هم به زندگی فرد کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که در مجموع تشکیل‌دهنده شخصیت حقوقی عمده‌ترین و اصلی‌ترین هدایتگر فرهنگی جامعه هستند و همچنین فعالان عرصه فرهنگ که کانال ارتباطی این فعالان با آحاد جامعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد، معنا می‌دهد. ارزش‌ها ضمن تأثیر بر قضاوت‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای کارکنان این وزارتخانه، کنش اجتماعی فعالان عرصه فرهنگ را هدایت و جهت‌دهی می‌نماید. همچنین ارتقاء ارزش‌ها در کارکنان این وزارتخانه به حفظ تعادل در آنها و مراجعانشان و در نهایت سطح وسیعتر جامعه یاری می‌رساند.

از منظری دیگر، ارزش‌ها رابطه نزدیکی با سایر عناصر فرهنگی از جمله نگرش‌ها، هنجارها و نمادها داشته و تنها با شناخت ارزش‌ها و تغییرات آنها، قادر به درک بسیاری از تحولات در عرصه اینگونه مؤلفه‌های فرهنگی خواهیم بود. باید افزود ارزش‌ها با نقش‌های اجتماعی و به طور کلی آنچه تحت عنوان مسائل اجتماعی دسته‌بندی می‌شوند در ارتباطاند و از آنجا که مسئله ارزش‌ها از جمله موضوع‌های مهم اجتماعی محسوب می‌شود، بر ضرورت انجام این پژوهش صحه دیگری می‌گذارد.

۴-۱. هدف‌های پژوهش:

هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی نظام ارزشی جمعیت مورد مطالعه (کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و اولویت‌های (تقدم و تأخر) موجود در نظام فوق است و در چارچوب هدف اصلی فوق، هدف‌های فرعی این پژوهش برای جمعیت مورد مطالعه شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- شناخت رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی با نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- شناخت رابطه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی با نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- تعیین میزان دینداری (مذهبی بودن) کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بررسی رابطه آن با رتبه‌بندی نظام ارزشی توسط ایشان.
- ۴- شناخت رابطه جنسیت با نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۵- شناخت رابطه وضعیت تأهل با نظام ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- شناخت رابطه انگاره ارزشی کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به زن با پایگاه اقتصادی- اجتماعی آنها.

۱-۵. بررسی پیشینه پژوهش:

در پژوهش حاضر شناسایی ارزش‌ها از طریق رویکردی اجتماعی در پیشاپیش نظر قرار گرفته است. گفتنی است که این مفهوم در ابتدا در میان برخی صاحب‌نظران علوم اجتماعی، در زمره مفاهیم مناقشه‌برانگیز قرار داشته و این موضوع تا بدانجا پیش رفته بود که عده‌ای با دیدی یک طرفه و سوگیرانه، مطالعه ارزش‌ها با دیدگاهی اجتماعی را به کلی نفی می‌نمودند. اینان بر این باور بودند که ارزش‌ها در مقوله واقعیت‌های ذهنی (انتزاعی)، روانشناختی و اخلاقی جای می‌گیرند و بر این اساس نمی‌توان با دیدگاهی اجتماعی به آن نگریست. عده‌ای دیگر چنین القا می‌نمودند که مطالعه ارزش‌ها یا ممکن نیست و یا دست کم به اتخاذ تدابیری خاص نیازمند است تا مبدا ارزش‌های شخصی در جریان مطالعه، عینیت آن را مخدوش سازد. گروهی دیگر دشواری تفکیک ارزش‌های فردی از ارزش‌های اجتماعی را مطرح و عده‌ای نیز ایراد آمیختگی و در هم تنیدگی واقعیت و ارزش را وارد می‌کردند. و همین‌طور عده‌ای، گستردگی تفاسیر متفاوت و اختلاف نظر در معنای ارزش‌ها را به عنوان یک دشواری پیش رو قلمداد می‌نمودند. اما سرانجام توجیهاتی از این دست نتوانست اهمیت ارزش‌ها را از نظر دور نگاه دارد و به چشم‌پوشی و حتی ناچیز شمردن این مفهوم بیانجامد. امروزه عموم اندیشمندان بر این باورند که «ارزش‌ها منشاء اثر اجتماعی‌اند، در زمره پدیده‌های اجتماعی جای می‌گیرند و با روش‌های کمی می‌توان به تحلیل علمی آنها پرداخت» (نیک‌گهر، ۱۳۶۹، ص ۲۷۹).

در این بخش از تحقیق، ضمن مروری بر تحقیقات انجام شده در جهان و تحقیقات صورت گرفته در ایران سعی بر این خواهد بود تا مطالعات در حوزه ارزش‌ها را مورد مذاقه بیشتری قرار دهیم.

۱-۵-۱. تحقیقات انجام شده در جهان:

در تحقیقات انجام شده در جهان تأثیر برخی از متغیرها بر شکل‌گیری ارزش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. طبقه‌بندی زیر بر اساس عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ارزش‌ها که در تحقیقات خارجی به آنها توجه شده، صورت گرفته است:

- (۱) نقش فرهنگ، خانواده و طبقه اجتماعی در شکل‌گیری ارزش‌ها
- (۲) ملیت و نظام ارزشی
- (۳) رابطه رشته تحصیلی و نوع مدرسه با نظام ارزشی
- (۴) نقش رسانه‌های گروهی در شکل‌گیری / شکل‌پذیری ارزش‌ها
- (۵) تأثیر جنسیت بر ارزش‌ها